

صادق خرازی:



اصلاحات نیاز به خون تازه دارد.

اصلاحات اشتباهات زیادی داشته است و همین امر ایجاب می‌کند که اصلاحات را از نو و مجدداً تعریف کنیم و بر این باورم که بزرگان اصلاحات باید تعریف مجددی از نقش‌آفرینی اصلاحات ارائه کنند و این نقش‌آفرینی در برهه جدید باید کمک‌کننده به رئیس‌جمهور، دولت یازدهم و دولتمردان باشد.

سعید سیف گفتگویی با صادق خرازی انجام داده که در ادامه می‌خوانید: افطاری جوانان با دکتر صادق خرازی، مراسم شب احیاء صادق خرازی با حضور گسترده جوانان اصلاح‌طلب همه اینها تنها و تنها یک پیام روشن دارد. رابطه این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با جوانان خوب است.

همین موجب شد که تعداد جوانان در سه روز احیاء در خانه صادق خرازی بیش از جاهای دیگر باشد. سهیل محمودی، شاعر شناخته‌شده کشورمان در یکی از همین شب‌ها گفت، «ویژگی ممتاز این مراسمات پیوند خوردن دین و فرهنگ غنی ایرانی و دوری از احساس‌گرایی و تأکید بر عقل‌گرایی و خردگرایی است» اتفاقاً عقل‌گرایی و خردگرایی نقطه کانونی اصلاح‌طلبی است. اصولاً از ابتدا اصلاح‌طلبی با خردگرایی تعریف شده و هر زمان بزرگان اصلاحات بر خردجمعی و تکیه بر عقل؛ حتی در فهم مسائل دینی نیز تأکید می‌کردند. این تفاوت ماهوی اصلاح‌طلبان با دیگر اندیشه‌های متأخر است آنها دین را از زاویه خرد می‌نگرند نه احساس و نه المیته عوام‌گرایی محض. حال که قریب به 17 سال از تولد اصلاحات می‌گذرد برخی از تحلیلگران بر این باورند این پدیده اجتماعی و سیاسی نیاز به باز تعریف دارد. لزوم باز تعریف اصلاحات، موضوع گفت‌وگوی کوتاه ما با دکتر سیدمحمدصادق خرازی بود. پیش‌تر نظر این دیپلمات سابق را در مورد مذاکرات و شیوه گفت‌وگوهای هسته‌ای در یک مصاحبه بلند جویا شدیم بخشی از آن گفت‌وگو متعلق به آسیب‌شناسی اصلاحات بود که اکنون منتشر می‌کنیم و حال در یک گفت‌وگوی کوتاه با توجه پایگاه ایشان به آسیب‌شناسی مختصر اصلاحات پرداختیم.

همه شما را به عنوان یک چهره دیپلمات می‌شناسند اما واقعیت این است که در میان گروه‌های سیاسی شما به عنوان یک چهره اصلاح‌طلب شناخته می‌شوید. به نوعی می‌توان گفت نظر شما و تحلیل شما درمیان اصلاح‌طلبان مورد توجه قرار می‌گیرد در کنار بزرگان یکسری از افراد هم هستند که در کنار آنها

خود را محور اصلاحات می‌دانند اما این فرصت در اختیار جوان‌ها قرار نگرفته و تعریفی از اصلاحات برای ما ارائه نشده، به نظر شما اصلاحات نیاز به يك کار جدید ندارد؟

چرا، اگر قرار باشد که اصلاحات در صحنه اجتماعی و سیاسی باقی بماند چاره ای ندارد که رفتار خود را بازنگری کند و پوست‌اندازی کند، چاره‌ای ندارد که از موقعیت خودش و از موقعیت اصلاحات و اصلاح‌طلبان باز تعریف جدید ارائه کند. نمی‌توانیم از یک طرف مدعی دین و دولت باشیم و از یک طرف با تمام مظاهر دین و دولت مبارزه کنیم. مردم ما هم باهوش هستند، اگر اصلاح‌طلبان به آنها راست بگویند اگر اصلاح‌طلبان به آنها وعده دروغ ندهند اگر اصلاح‌طلبان به آنها وعده صادقانه بدهند و با آنها صادقانه حرف بزنند مردم به سمت آنها خواهند رفت. به عقیده من با این رفتارها مردم به سمت اصلاح‌طلبان سوق پیدا می‌کنند. البته که ما نباید خودمان را فریب بدهیم. اما اگر اصلاح‌طلبان هم با هم درگیر باشند، با مردم صادق نباشند پدیده هشت سال پیش به وجود می‌آید من معتقدم انتخابات سال 84 محصول این اشتباه اصلاح‌طلبان در محاسبه بود. این اشتباه در محاسبه موجب شد پدیده تلخی در کشور به وجود بیاید که شما اثر 8 ساله آن را دیدید. بنابراین اصلاح‌طلبان نیاز به بازخوانی رفتار خود دارند. اصلاح‌طلبان نیاز دارند رفتار گذشته خود را اصلاح کنند. پدیده 8 سال گذشته اتفاق، سختی و البته دردناکی برای تاریخ ایران بود. من و بسیاری از فعالین سیاسی بر این باور هستیم که اشتباهات اصلاح‌طلبان در طول سال‌های گذشته یکی از ادوار بسیار تلخ این کشور را رقم زد. بنابراین لازم می‌بینم که اصلاحات خود بازخوانی کند. لازم است اصلاح‌طلبان از اشتباهات و اختلافات گذشته درس بگیرند. گذشته چراغ راه آینده است نبایدست در مشاجرات گذشته توقف کرده و سطح منازعات سیاسی را به تحلیل روزهای تلخ گذشته پیوند زد.

یعنی معتقدید اصلاحات در طول حیات خود اشتباه کرد یا مسیر اشتباهی را در برخی از موارد پیمود؟

بله، اصلاحات اشتباه زیادی داشت. من معتقدم اصلاحات نیاز به باز تعریف دارد. باید اصلاحات را از نو و مجدداً تعریف کنیم.

چه کسانی باید این تعریف جدید را به قول شما ارائه دهند؟

من معتقدم بزرگان اصلاحات باید تعریف مجددی از نقش‌آفرینی اصلاحات ارائه کنند و معتقدم که نقش‌آفرینی اصلاح‌طلبان در برهه جدید باید کمک‌کننده به رئیس‌جمهور و دولت یازدهم و دلت‌مردان باشد. ما باید بتوانیم با توجه به شرایط موجود تعریف جدیدی از نقش‌آفرینی اصلاح‌طلبان را ارائه کنیم.

چرا روحانی و کمک به روحانی؟! اصلاح‌طلبان امروز چه ویژگی مشترکی با روحانی دارند؟ آقای روحانی بارها گفته است که جناحی نیست. عملکرد ایشان در يك سال گذشته نشان می‌دهد که این رئیس‌جمهور نمی‌خواهد خود را در قالب تعاریف موجود فعالیت‌های سیاسی بگنجاند؟

گرچه شاید بین اصلاحات و آقای روحانی تعارض دیدگاه و اختلاف دیدگاه وجود داشته باشد اما این تعارض و اختلاف در فرع مباحث است و ما می‌توانیم در اصل و اصول به یک تعریف و جمع‌بندی جدید برسیم، یکسری مبانی داریم و باید شعارها اهداف و در نهایت عملکردمان را طبق این مبانی تنظیم کنیم طبق مبانی تنظیم شده وظایفمان را در قبال جامعه سیاسی ما انجام دهیم تا بتوانیم به موفقیت برسیم. اگر بخواهیم اتفاقات يك سال گذشته را به لحاظ سیاسی و اجتماعی بررسی کنیم متوجه يك واقعیت خواهیم شد. در مجموع انتخاباتی که سال گذشته انجام شد از عقلانیت درون اصلاحات پدیده‌ای به نام 24 خرداد به وجود آمد، به عقیده من و بسیاری از فعالین سیاسی روحانی محصول پدیده عقلانیت در اصل اصلاحات بود اصلاح‌طلبی با عقل‌گرایی، عملکردی آمیخته شده است. لذا همه اصلاح‌طلبان اجتماع کردند تا آقای روحانی رئیس‌جمهور شد؛ البته فراموش نکنیم که ایشان در مجموع با یک حدنصاب شکننده رئیس‌جمهور شد. بنابراین ما چاره‌ای جز این نداریم که يك کار اساسی انجام دهیم و در این کار اساسی بتوانیم گام‌هایی را تعریف بکنیم و از آن گام نو ظرفیت‌سازی کنیم. من معتقدم عقلانیت و کارآمدی دو

رکن مهم فعالیت جریان اصلاح طلبی را تشکیل می‌دهد. من معتقدم تندرستی، احساس گرایی، رفتارهای رادیکال و وجود برخی موانع و سنگ‌اندازی‌ها مانع از این شد که تلاش‌های قبلی با وجود نیت راستین اولیه دوستان اصلاح طلب به نتیجه مطلوب منجر شود. من معتقدم دوران افراطی‌گری و رفتارهای هیجانی کنترل نشده به پایان رسیده و نواقص و مشکلات را باید در چارچوب روند اصلاح طلبی دنبال کرد. چارچوب‌های کهنه دیروز، زخم‌های المیام‌نیافته تاریخی و تاکتیک‌های مستعمل گذشته جوايگوي دور جديد اصلاح طلبی نیست.

این ظرفیت‌سازی که شما می‌گویید به چه معناست؟

آنچه مشخص است این است که اصلاحات نیاز به ظرفیت‌سازی دارد. همگان به‌خوبی می‌دانند که اصلاحات نیاز به بازتعریف دارد و نیاز به توجه به اصلی خودش یعنی امتزاج دین، فرهنگ و مذهب دارد و این سه اصل باید با هم عجین شوند اگر اینگونه شود به نظر من موفقیت‌های نسبی برای آینده برای اصلاح‌طلبان پدید می‌آید. صراحتاً باید گفت جریان اصلاح طلبی نیاز به پوست‌اندازی دارد. به‌معنای دیگر اصلاحات نیاز به خون تازه دارد. اصول اصلاح طلبی مشخص و روشن است. هویت اصلاح طلبی ما تغییری نکرده است. آنچه باید تغییر کند، روندهای سوءتفاهم‌آفرین گذشته است. آنچه باید تغییر کند، حب و بغض‌های شخصی گذشته است. وگرنه راه ما مشخص است. هدف ما مشخص است. مسیر ما روشن است. از پوست‌اندازی نترسیم بلکه به ثمربخشی و کارآمدی آینده اصلاحات بپندیشیم. باید تعارف را کنار بگذاریم. به هر حال بزرگان اصلاحات باید تعریف جدیدی و البته به روزی از نقش‌آفرینی اصلاحات ارائه کنند و معتقدم که نقش‌آفرینی اصلاح‌طلبان در برهه جدید باید کمک‌کننده به رئیس‌جمهور و دولت یازدهم و دولتمردان باشد. ما باید بتوانیم با توجه به شرایط موجود تعریف جدیدی از اصلاحات را ارائه کنیم. عقلانیت و کارآمدی دو رکن مهم فعالیت جریان اصلاح طلبی را تشکیل می‌دهد. معتقدم رفتار و تصمیمات ما باید در چارچوب عقلانیت باشد. به هر حال برای اینکه تجربه تلخ 8 سال گذشته تکرار نشود لازم است جریان اصلاحات پوست‌اندازی کند.